

## نقد شعر رهی‌معیری از منظر روان‌شناسی لوشر

سیده مائده واقعه‌دستی<sup>۱</sup>

### چکیده

در آزمایش لوشر، رنگ به هشت گروه تقسیم می‌شود و آنچه در این آزمایش اهمیت می‌یابد، اولویت در انتخاب یا طرد رنگ‌هاست، زیرا لوشر این ویژگی را منبعث از شخصیت و اندیشه فرد می‌داند. در نگرش‌های ادبی نیز ترکیبات رنگی یکی از ارکان تصویرسازی هستند که شاعر با استفاده از آن‌ها آثار خویش را خلق می‌کند. طیف رنگی اشعار رهی نیز متأثر از این شگرد تصویرسازی است، چرا که رنگ در اشعار معیری، گاه در توصیفات عاشقانه یا نگرش‌های عرفانی - اجتماعی، و گاه در ترکیب‌های ادبی به‌کار رفته است. این مقاله، با هدف بررسی ارزش هنری و روانی رنگ در اشعار رهی، می‌کوشد تا ترکیبات رنگی اشعار وی را نشان دهد، چرا که بیش‌تر رنگ‌های رهی جنبه نمادین دارند و الگوهای رنگین در عناوین و ترکیبات او نیز به کار رفته‌اند. رهی از رنگ هم در معنای اصلی و هم در معنای مجازی استفاده کرده است، اما آنچه در این بررسی اهمیت می‌یابد، این است که شگردهای رهی در خلق تصاویر رنگی تنها متأثر از شخصیت او نیست و عوامل هنری و ادبی نیز در خلق این تصاویر نقش به‌سزایی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: رنگ، روان‌شناسی رنگ، مارکس لوشر، رهی معیری، نقد

روان‌شناسی

---

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

## مقدمه

هنر طبیعت در رنگ نهفته است، زیرا نظامی رنگین جهان و پدیده‌های موجود در آن را فراگرفته است. زبان رنگ‌ها و خصایص آن‌ها در شخصیت و روان انسان تأثیر می‌گذارند. شخصی که رنگ گرم در او غالب است، برون‌گراست و شخصی که رنگ سرد بر او غالب است درون‌گرا محسوب می‌شود. «افرادی که رنگ سرد بر آن‌ها غالب است دارای نگرشی انزواطلبانه نسبت به دنیای بیرون هستند. سازگاری با شرایط و حالات جدید و ابراز احساسات آزادانه برای آن‌ها دشوار است. این افراد از نظر هیجانی سرد و خوددار هستند. در رابطه ذهنیت و عینیت تأکید آنان بر ذهنیت است» (استوار، ۱۳۹۱: ۴۱). افزون بر این، رنگ بازتابی از آفرینش و تفکر مردم در اعصار مختلف است. رنگ در نظر آگوستین نشان دهنده انعکاس نور خدا است و بسیاری از موسیقی‌دانان نیز موسیقی را نوعی رنگ پنداشته‌اند. برای مثال، سی‌مینور از نظر بتهون سیاه بود و شوپرت آن را دوشیزه‌ای در جامه‌ی سفید می‌پنداشت. «برخی از مردم آلات موسیقی را با رنگ معینی می‌شناسند. مثلاً شیپور را زرد دانسته، سازهای بادی را سرخ می‌شناسند، فلوت را رنگ آبی، و قره‌نی را سبز می‌دانند» (عطاری و فلاحی، ۱۳۸۲: ۱۷). رنگ و ترکیبات آن در القای مفاهیم محیطی و تغییر وضعیت و حالات روحی انسان نیز تأثیرگذار است. نظریه لوشر، به‌عنوان یکی از شیوه‌های شخصیت‌یابی افراد، در روان‌شناسی نوین جایگاه ویژه‌ای دارد. در آزمایش لوشر، رنگ به هشت گروه اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. چهار رنگ اصلی وجود دارد که شامل رنگ‌های آبی، زرد، قرمز، و سبز است و این رنگ‌ها «نمایان‌گر احتیاجات اولیه روانی ما هستند» (لوشر، ۱۳۹۰: ۵۱). علاوه بر این رنگ‌های اصلی، چهار رنگ فرعی بنفش، قهوه‌ای، سیاه، و خاکستری نیز وجود دارد که این رنگ‌ها در روان‌شناسی لوشر، بدون دخالت و ارتباط با هم بررسی می‌شوند و انتخاب افراد تنها ملاک داوری شخصیت آن‌هاست. در نتیجه، ترکیب رنگ در آثار شاعران نیز برای القای احساسات هنرمندانه آنان است، زیرا رنگ بازتاب تصاویر

پیچیده‌ای است که شاعر به مدد آن‌ها این احساسات را بیان می‌کند. پیچیده‌ترین تصویرها در سایه‌ی حساس‌ترین رنگ‌ها منتقل می‌شود (علی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷). این مشخصه در آثار رهی نیز دیده می‌شود، چرا که در اشعار رهی رنگ گسترده است و رهی، در اشعار خود، با تقابل طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها و تصاویر پیچیده، احساسات خود را بیان می‌کند. وجود گستره‌ی رنگ در اشعار او نیز پژوهنده را بر آن داشت، تا در مقاله‌ی حاضر، این گونه‌های مختلف رنگ را در آثار او بررسی نماید، زیرا تاکنون تحقیقی پیرامون رنگ در اشعار رهی صورت نگرفته است. موضوع رنگ مختص به رهی نیست، بلکه این ویژگی در شاعرانی چون سهراب، نیما، و خاقانی هم به‌کار رفته است. برای مثال، می‌توان به پژوهش‌هایی چون "روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری"، (۱۳۸۴)، از سید علی قاسم‌زاده و ناصر نیکوبخت، "روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما (براساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)"، (۱۳۸۵)، از مهین پناهی، و "بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی"، (۱۳۸۹)، از جهانگیر صفری و فخری زراعی اشاره کرد که به مبحث رنگ و روان‌شناسی آن در شاعران پرداخته‌اند. در این تحقیق هم، با جست و جوی رنگ در اشعار رهی، درصدد هستیم تا با تحلیل رنگ در اشعار او، دریابیم که ارزش هنری و روانی رنگ در اشعار رهی چگونه است؟ کدام طیف رنگی در اشعار رهی بیش‌تر دیده می‌شود؟ و کاربرد رنگ در اشعار رهی چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به بررسی مفهوم رنگ می‌پردازیم و سپس، با تحلیل آن در اشعار رهی، طیف رنگ را در این اشعار بررسی خواهیم کرد.

### بحث و بررسی

#### الف) لوشر و نظریه رنگ‌ها

ماکس لوشر در نهم سپتامبر ۱۹۲۳ در بازل سوئیس به دنیا آمد. او یک روان‌درمان‌گر و استاد روان‌شناسی دانشگاه بازل است اولین بار در سال ۱۹۴۰ ماکس لوشر ثابت کرد که رنگ‌ها نه تنها قابلیت انتقال پیام و احساسات و عواطف را دارا

هستند بلکه اثرات انرژی‌درمانی نیز دارند و تقریباً تمامی کسانی که به نوعی با رنگ سر و کار دارند از تأثیرات آن کم و بیش باخبرند. به اعتقاد وی رنگ‌های مختلف می‌توانند احساسات متفاوتی را ایجاد کنند. مثلاً آبی آرامش‌بخش است. قرمز هیجان‌انگیز و سیاه افسرده‌کننده. لوشر مدتی بعد با معکوس کردن این تئوری ادعا کرد رنگ‌های مختلف می‌توانند معرف رفتارها و روحیات مختلف باشند و در نتیجه رنگ مورد علاقه شما وضعیت روحی شما و نوع رفتار شما در قبال دنیای اطراف را نشان می‌دهد. نظریه لوشر، پس از آزمایش رورشاخ، به عنوان یکی از شیوه‌های نوین در شخصیت‌یابی افراد مطرح گردید. در تئوری لوشر هشت رنگ وجود دارد که به دو گروه، رنگ‌های اصلی (آبی، زرد، قرمز، سبز) و رنگ‌های فرعی (بنفش، قهوه‌ای، سیاه، و خاکستری) تقسیم می‌شوند. این رنگ‌ها بدون دخالت و ارتباط باهم بررسی می‌شوند. به گفته علوی مقدم، «در این روش، رنگ‌ها هرکدام با یک عدد مشخص می‌شوند و رنگ‌هایی که در اولویت قرار می‌گیرند یا طرد می‌شوند، هر کدام به نوعی، بیان‌گر احساسات و اندیشه‌های خاص فرد خواهد بود» (علوی مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۹: ۱۳). رنگ مورد علاقه فرد در جایگاه نخست قرار می‌گیرد و رنگ‌های بعدی نیز، به ترتیب اولویت، مکان‌های دوم تا هشتم را در بر می‌گیرند. بنابراین تعریف، هر رنگ جایگاه خاصی می‌یابد و کنش‌های مربوط به آن نیز مشخص می‌شود. به گفته قاسم‌زاده، «کیفیت تأثیر انسان از رنگ‌ها ماهیت کاملاً روانی دارد و به طور مستقیم در هنجارها و واکنش‌های او مؤثر است» (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۷). علاوه بر این، در گروه‌بندی لوشر، رنگ‌های هشت-گانه به گروه‌های زوج تقسیم می‌شوند که در این طبقه‌بندی، گروه اول و دوم به گرایش‌ها و تمایل شخص می‌پردازند و گروه سوم و چهارم نیز از تأثیرات کم و عدم تمایل شخص سخن می‌گویند. در چیدمان این گروه‌ها، گرایش‌های ذهنی و ساختار روحی فرد نسبت به هر یک از رنگ‌ها مشخص می‌شود.

## ب) رهی و سبک شعری او

رهی معیری از غزل‌سرایان معاصر است که با پیروی از شاعران کهن و حفظ سبک آن‌ها تأثیر محسوسی در غزلیات معاصر نهاد. در اشعار او سادگی و روانی شاعران کهن به‌وضوح به‌چشم می‌خورد. رهی در اشاعه هنر و ادب ایران نقش برجسته‌ای داشته است. شهرت او مدیون ترانه و تصنیف‌هایی است که در موسیقی ملی ایران ضبط شده است. موسیقی در اشعار، ترکیبات و ساختار زبانی او نهفته است. در مقدمه دیوان رهی معیری آمده است: «امتیاز شعر رهی، گذشته از سلامت ذوق و سرشاری شور شاعرانه، در ساختار زبان و پیوند قالب شعر است. شستگی زبان، نقش‌بندی‌های دل‌پذیر خیال، حسن ترکیب، به‌کارگیری تناسب‌های زیبا، تعبیرهای تازه و خیال‌انگیز و استفاده از شبکه تداعی‌ها، شعر او را از موسیقی‌های گوناگون لفظی و معنوی سرشار [کرده است]» (معیری، ۱۳۸۱: ۲۲). تسلط او در سرودن غزل و قطعه کم‌تر از تصنیف نیست. گرایش رهی به قالب غزل و سبک‌های عراقی و هندی سبب شهرت او در حیطه ادب معاصر گردیده است. «غزل رهی با شیوه‌ای ویژه، آمیخته‌ای از دو سبک عراقی و هندی است که در عین فصاحت، ملیح و در عین ملاحظت، فصیح است» (حقوقی، ۱۳۸۱: ج ۲: ۵۱۵). گرایش به این سبک‌ها سبب شد تا در اشعار رهی ردپای بزرگانی چون سعدی نیز دیده شود. «بسیاری از غزلیات رهی هم از نظر حال و هوا و کیفیت سخن با معشوق و هم از نظر زبان و شیوه بیان (شیوه سهل ممتنع) یادآور غزلیات سعدی است» (حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۹۱). علاوه بر این، رهی با سرودن قصاید فکاهی، سیاسی، و اجتماعی و با نام‌های مستعاری چون "زاغچه"، "شاه پریون"، و "حق‌گوی" در این زمینه نیز طبع‌آزمایی کرده است. «بیش‌تر اشعار طنز رهی، سیاسی، اجتماعی، و انتقادی است و کم‌تر آثاری از او می‌توان یافت که درباره موضوعات دیگر باشد» (نجف‌زاده، ۱۳۷۶: ۵۹). رهی در اشعار خود با ترکیب تصاویر و رنگ، اندیشه خود را بیان می‌کند. هر چند محور اشعار رهی رنگ نیست، اما در اکثر تصاویر او از رنگ و نمادهای مربوط به آن استفاده شده است. او در اسامی اشعار خود نیز از رنگ استفاده کرده است. برای

۱۹۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳  
مثال، "جامه سرخ"، "مریم سپید"، "موی سپید"، "سیه مست"، "گلبرگ خونین"،  
"غبار مشکین"، "سیه چشم"، و "پرده نیلی" نمونه‌هایی از این گونه اسامی هستند.  
با این وجود، در میان اشعار رهی، رنگ سرخ و سیاه بیش از دیگر طیف‌های رنگی  
دیده می‌شود. در ادامه این مقاله، اشعار رهی را از نظر تعدد و کاربرد رنگ بررسی  
خواهیم نمود.

### پ) کاربرد رنگ‌ها در شعر رهی پ-۱) رنگ سرخ

رنگ سرخ، رنگ خون، عشق، آتش، جنگ، جسم، شهوت، سرخی خورشید، و  
رنگ سیاره مریخ است. قرمز نمایان‌گر میل به زندگی و رسیدن به کامیابی است. این  
رنگ در قرون وسطی رنگ اشراف بوده است و در مجسمه‌های آنان مفهوم زندگی و  
قدرت با این رنگ نشان داده شده است. به اعتقاد علی‌اکبرزاده، رنگ قرمز در مصر،  
رنگ محافظ آتش است و در ژاپن نشانه‌ی خوشبختی، و در نزد سوسیالیست‌ها و  
کمونیست‌ها نشانه آزادی است (علی‌اکبرزاده، ۱۳۷۸: ۱۰). رهی در اشعار خود به  
صورت مستقیم و گاه به صورت مجازی به رنگ قرمز اشاره کرده است. "سرخ  
گل"، "جامه سرخ"، "مرغ خونین ترانه"، "لاله‌گون"، "لاله احمر"، "لب گلگون"، و  
"لعل‌گون" نمونه‌هایی از اشارات او به این رنگ هستند. او اعضا و زیبایی چهره  
معشوق را با رنگ قرمز نشان می‌دهد و صورت معشوق خود را در زیبایی هم‌چون  
"لاله"، "گل سرخ‌رو"، "لاله‌گون"، و "لاله‌رو" می‌پندارد:

لاله را از سرخ‌رویی، بهره غیر از داغ نیست      طالع مسعود باید، طلعت زیبا چه سود؟  
(معیری، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

لاله‌رویی نیست تا در پای او سوزم "رهی"

ورنه جای دل درون سینه من آتشی است

(همان: ۱۷۳)

اشاره رهی به کلماتی چون "آتش"، "آتشین"، و "آتشین لب" نیز برگرفته از

نقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۱۹۹

همین ویژگی است، زیرا رهی در اشاره به رنگ قرمز از واژگانی چون "آتش" و "آتشین" بیش‌ترین استفاده را کرده است:

چون آتشین لب، می در سبو نیست      گل با آن لطافت، هم‌رنگ او نیست  
(معیری، ۱۳۶۹: ۱۳۹۱)

از داغ آتشین لب او، هم‌چو نای و نی      دل را به ناله زمزمه‌پرداز کرده‌ایم  
(همان: ۱۱۸)

وجود الگوهای رنگین در عناوین شعر همانند: "جامهٔ سرخ"، "گلبرگ خونین"، "آتش گل"، "لالهٔ خونین"، و "آتشین لب" و هم‌چنین، ترکیباتی را که با واژگان می، می گلگون، باده، و شراب ساخته است، می‌توان از جمله اشارات صریح او به رنگ قرمز دانست. "قدح رنگ می"، "سرخ می"، "می احمری"، "پرتو می"، "باده گلرنگ"، و "بادهٔ خون جگر" از جملهٔ این موارد هستند. در اشعار رهی رنگ قرمز بیش از رنگ‌های دیگر به‌کار رفته است. در روان‌شناسی لوشر آمده است: «هر کس که رنگ قرمز را در وضعیت اول انتخاب می‌کند، مایل است که از طریق فعالیت‌هایش زندگی جنب و جوش و کاملی داشته باشد... قرمز از لحاظ نمادی شبیه به خونی است که در هنگام پیروزی ریخته می‌شود، هم‌چون شعلهٔ عید پنجاه است که آتشی را در روح انسان شعله‌ور می‌سازد» (لوشر، ۱۳۹۰: ۸۷). ترکیبات "خون رنگین"، "ساغر خونین شفق"، "خون دل رنگین"، و "گلبرگ خونین" را بسیار در اشعار رهی معیری می‌بینیم. رهی در این باره سروده است:

لاله را از سرخ‌رویی، بهره غیر از داغ نیست

طالع مسعود باید، طلعت زیبا چه سود؟

توبه کردم فصل گل از بادهٔ گلرنگ، لیک

جز پشیمانی مرا زین توبهٔ بی‌جا، چه سود؟

خنده زن بر گردش این چرخ مینایی چو جام

ورنه جز خونین دلی از گریه چون مینا چه سود؟...

۲۰۰ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

شمع را جز اشک و آه از بزم الفت بهره نیست

غیر خون دل ز قرب گل‌رخان ما را چه سود؟

(معیری، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

جدول ۱ طیف رنگ سرخ را در اشعار رهی نشان می‌دهد:

اشعار	سرخ	احم	خون/خون	شفق	لع	عفی	رنگ سرخ			
							گلگون/گلر	لاله	گون/لاله	می/باده/شیرا
غزل‌ها	۱	-	۲۸	۷	-	-	۶۲	-	۴	۳۴
منظومه‌ها	۲	-	۱	-	۴	۱	۱۰	۱	۳	۴
قطعات	۱	-	۵	۱	۱	-	۶	-	-	۱
ابیات	-	-	۷	-	-	-	۱۲	-	۲	۳
رباعیات	-	-	۱	-	۱	-	۷	-	۱	۱
تغزل و	۵	۷	۲	-	۱	۱	-	-	۴	۱۴
غزلیات	۱	-	۱۸	-	۲	-	۲۰	۳	۱	۱۴
غزل ناتمام	-	-	۳	-	۱	-	۳	۱	-	۳
مثنوی	-	-	۱	-	۲	-	۹	۲	۲	۱
قطعه	-	-	۳	-	-	-	۳۰	-	۱	-
رباعی	-	-	-	-	۱	-	۴	-	-	۶
تک بیت‌ها	-	-	۲	-	-	-	۶	-	۱	۴
اشعار روز	-	-	۴	-	-	-	۱	-	-	۵
ترانه‌ها	-	-	۳۷	-	۱	-	۴۲	۱	۳	۳۹
جمع	۱۰	۷	۱۱۲	۹	#	۲	۲۱۲	۸	۲۲	۱۲۹

## پ-۲) سیاه

رنگ سیاه بیان‌گر ناامیدی، ظلمت، اندوه، وحشت، اضطراب، و مرگ است. از آن‌جایی که رنگ سیاه بدون نور و روشنایی است، انسان را از اجتماع دور و منزوی می‌کند. «از سیاهی‌ها هیچ نوری بر نمی‌آید. دقیقاً به همان شیوه‌ای که از یک توده سایه، نور زاده نمی‌شود» (ویتگشتاین، ۱۳۸۹: ۶۳). سیاه نمادی از تسلیم، ترک علاقه، و سیه‌روزی است. شاعر همواره با اشاره به رنگ سیاه در نظر دارد تا به تیره‌روزی و پوچی روزگار خود نیز اشاره کند. اشارات رهی به "سیه روزان"، "سیه بختی"، "گیتی سیاه"، "سیه پوش"، "تیره روزی"، و "مشکین" نمونه‌هایی از این موضوع هستند. رهی در شعر "سایه گیسو" با اشاره به تیره‌روزی خود می‌گوید:

از فتنه‌ات سیاه بود صبح روشنم ای تیره شب، که فتنه بر آن ماه روشنی



نقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۲۰۱

هم‌رنگ روزگار منی، ای سیاه‌فام      مانند روزگار، مرا نیز دشمنی  
(معیری، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

او بخت خود را سیاه می‌داند و از آن گله می‌کند:

به تیره‌بختی ما شمع انجمن سوزد      به هر کجا که حریفان کنند انجمنی  
(همان: ۲۱۳)

رهی در شعر "ستاره خندان" هم از رنگ سیاه برای شرح سیاه روزی و بدبختی  
استفاده کرده است:

مخور فریب محبت، که دوست‌داران را      به روزگار سیه‌بختی، آزمودم من  
(همان: ۶۴)

در شعر "آیین‌روشن" رهی نیز می‌خوانیم:

سیاهی از رخ شب می‌رود، ولی از دل      نمی‌رود غم دیرینه‌ای که من دارم  
(همان: ۱۰۷)

علاوه بر این، رنگ سیاه نماد غم است و برای سوگواری استفاده می‌شود. «سیاه معمولاً به عنوان نماد ترس یا شیطان مورد استفاده قرار می‌گیرد... رنگ سیاه در بسیاری از فرهنگ‌ها، مثل ایران، برای مراسم سوگواری مورد استفاده قرار می‌گیرد» (پورفخاران و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲). این خصیصه در شعر رهی نیز دیده می‌شود:

مهر منیر را، نبود جامه سیاه      ای آفتاب حسن سیه‌پوش کیستی؟  
(معیری، ۱۳۹۱: ۶۵)

اکثر اشاراتی که رهی به رنگ سیاه دارد، در معنای حقیقی آن است. او در مجموعه آزاده بیش‌تر به رنگ سیاه اشاره کرده است، زیرا سیاه تیره‌ترین رنگ است و در روان‌شناسی آن را به عنوان نفی‌کننده خود، نشان‌گر ترک علاقه، و تسلیم‌نهایی می‌دانند. به باور لوشر، اگر «سیاه در وضعیت دوم باشد، شخص انتخاب‌کننده آن در مورد خودش عقیده دارد که مایل به نفی هر چیز دیگری است» (لوشر، ۱۳۹۰: ۹۱).

رهی نیز با استفاده از رنگ سیاه درصدد است تا این اندیشه را به خواننده انتقال دهد:

۲۰۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

معلوم نیست کاین قطعات سیاه‌رنگ ابر است، یا که دود دل بی‌قرار ما

(معیری، ۱۳۹۱: ۲۴۱)

		جدول رنگ سیاه								
		ذغال	غالبه	سرمه	دود	مشک	تیره/تار	ظلمت	سیاه/	اشعار
سیاه عمر	غزل‌ها	-	-	-	۱	۱	۴	۳	۲۰	
	منظومه‌ها	-	-	-	-	-	-	-	۵	
	قطعات	-	-	-	-	-	۱	۲	۴	
	ابیات پراکنده	-	-	-	-	۱	-	-	۲	
	رباعیات	-	-	-	-	-	۲	-	-	
آزاده	تغزل و غزلیات	-	۱۰	-	-	۱	۱	-	۳	
	غزلیات	-	-	-	۱	-	۳	-	۶	
	غزل‌های	-	-	۱	-	-	-	-	۵	
	مثنوی	-	-	-	-	-	-	-	۱	
	قطعه	۱	۱	-	-	-	۲	-	۲	
	رباعی	-	-	-	-	-	-	-	-	
	تک بیت‌ها	-	-	-	-	-	-	-	-	
	اشعار روز	-	-	۱	-	-	-	-	-	
	ترانه‌ها	-	-	-	۱	۱	۲	۱	-	
	جمع	۱	۱۱	۲	۳	۴	۱۵	۲۷	-	

### پ-۳) بنفش

بنفش با مفاهیمی چون پارسایی، مرگ و نابودی، عشق و عرفان روحانی، و شهوت همراه است و رنگ الهام بخش، توبه، و قربانی شدن، رنگ بی‌خبری، خیال‌انگیزی و هراس است. گوته آن را رنگ وحشت از پایان دنیا می‌داند. علاوه بر این، در آزمایش لوشر رنگ بنفش نماد "هماندسازی یک ترکیب عاشقانه" است. «نیاز به هماندسازی و درک شهودی که معنای ضمنی رنگ بنفش است، در هدف‌هایی غیر از افراد تظاهر می‌یابد و موجب درک زیبایی، توانایی دست یافتن بر داوری مستقل و تمایل مداوم به شغل‌های دارای ماهیت حرفه‌ای یا فنی می‌گردد. بنفش فقط موقعی اهمیت دارد که در وضعیت‌های سوم و هفتم قرار نگرفته باشد» (لوشر، ۱۳۹۰: ۹۵). رهی به طور مستقیم از رنگ بنفش یاد نکرده است. او با نگرشی عاشقانه و عرفانی و غیر صریح به رنگ بنفش پرداخته است. اشارات پی‌درپی او به "بنفشه" نمونه‌هایی از ترکیب رنگ بنفش است. بعضی از گل‌ها به دلیل دلالت بر رنگ‌های مختلف و تعبیرات شایع درباره آن‌ها، به رنگ‌های نیلی، آبنوسی، ساجی،

نقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۲۰۳

و بنفش، که همگی ریشه گیاهی دارند، تقسیم می‌شوند. بنفشه نماد زلف است و گاهی هم مظهر زلف است (زمردی، ۱۳۸۷: ۲۲۱ و ۳۳۱). این ویژگی در اشعار رهی نیز دیده می‌شود. رهی در شعر "بنفشه سخنگو" بارها به بنفشه و نمادهای پیرامون آن اشاره داشته است:

بنفشه‌های مرا قدردان، که بوده شبی      به یاد موی تو، مهمان آب دیده من  
بنفشه‌های من از من ترا پیام آرند      تو گوش باش چو گل، تا کند بنفشه سخن  
که ای شکسته بهای بنفشه از سر زلف      دل "رهی" را، چون زلف خویشتن مشکن  
(معیری، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

گل و بنفشه چو زلف و رخت به رنگ و به بوی

کجاست ای رخ و زلفت گل و بنفشه من

(همان: ۱۲۳)

بنفشه در ادبیات عرفانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و رهی با اشاره به این باور

می‌گوید:

با یاد رنگ و بوی تو، ای نوبهار عشق      هم چون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام

(همان: ۳۶)

طیف رنگ بنفش در اشعار رهی به ترتیب زیر است:

رنگ بنفش		جدول ۳	
بنفشه	بنفش	اشعار	
۲۰	-	غزل‌ها	سایه عمر
-	-	منظومه‌ها	
-	-	قطعات	
-	-	اساتداکنده	
-	-	دیاعات	
۶	-	تغزل و	آزاده
-	-	غزلیات	
-	-	غزل‌های	
-	-	مثنوی	
-	-	قطعه	
-	-	دیاع	
-	-	تک‌بیت‌ها	
-	-	آه‌ها	
۱	-	ترانه‌ها	
۲۷	-	جمع	

#### پ-۴) زرد

رنگ زرد، رنگ روشن و گرمی است و چون زودتر از رنگ‌های دیگر دیده می‌شود، بیش‌تر جلب توجه می‌کند. «رنگ زرد به دلیل مقدار نور زیادی که منعکس می‌کند، بیش از بقیه رنگ‌ها چشم را خسته می‌کند» (پورفخاران و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵). رنگ زرد سمبلی از طلوع، نور، و روشنایی است و مصریان آن را سمبل الهه خورشید می‌دانستند. از آنجایی که رنگ زرد با خورشید ارتباط دارد، رنگ جاودانگی و ابدیت نیز هست. به همین دلیل، هندوان بودا را زرد و طلائی می‌دانستند. رنگ زرد «در مذهب‌های یهودی و مسیحی آمده است که در کنسپت‌ها و کلیساها، فرشتگان مقرب درگاه خدا را با رنگ زرد رنگ‌آمیزی می‌کردند. رنگی که مفهوم رابطه و اتصال با خدا را دارد. در بین پیش‌گویان قدیمی رنگ زرد توصیفی از شیر و خورشید بود» (فلمار، ۱۳۷۶: ۲۹). رنگ زرد با صفاتی چون درخشندگی و شادمانی، حس امیدواری، رضایت، و اعتماد به نفس را در فرد ایجاد می‌کند. به باور ایتن، رنگ زرد، از روشن‌ترین رنگ‌هاست (ایتن، ۱۳۸۸: ۴۵). رنگ زرد، سبب کاهش اندوه و افزایش نشاط در انسان می‌شود و منشی زنانه دارد. از سوی دیگر رنگ زرد با حزن و اندوه نیز ارتباط دارد. رنگ زرد هنگامی بر حزن و اندوه، کسالت، و فنا و مرگ دلالت دارد که با پاییز، مرگ طبیعت، صحرای خشک، و زردی چهره انسان همراه شود (پورفخاران و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۲). در اشعار رهی نیز این مشخصه دیده می‌شود. اشارات او به "رخسار زرد"، "رخ زرد"، و "زرد شدن چهره" نمونه‌هایی از این موضوع است. برای مثال، اشاره او به "رخ زرد" در شعر زیر از آن جمله است:

دلم بیمار و لب خاموش و رخ زرد همه سوز و همه داغ و همه درد  
(معیری، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

در شعر "حاصل مهربانی" رهی هم می‌خوانیم:

بی‌روی چون بهار تو ای نوگل وجود

زرد و شکسته رنگ چو برگ خزانیم

(همان: ۲۲۶)

نقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۲۰۵

هنگامی رهی به مقولهٔ رنگ اهمیت می‌دهد که به معشوق و وصف او می‌پردازد:  
 شعلهٔ زرد و لـرزان آتش      ماند ای گل به زرینه مویست  
 زلف زرین تو شعله رنگ است      با دلم شعله آسا به جنگ است  
 (همان: ۲۱۶)

افزون بر این، در اشعار رهی رنگ زرد در ترکیباتی چون "طرهٔ طلایی"، "زلف زرین"، و "بال زرین" به‌کار رفته است. کسی که رنگ زرد را انتخاب می‌کند، درصدد است تا به مقام بلندی برسد و مورد احترام دیگران قرار گیرد. به اعتقاد لوشر، چنین شخصی برای رسیدن به بلندپروازی‌های خود، به محیط بیرونی فشار وارد خواهد کرد (لوشر، ۱۳۹۰: ۹۲). در شعر رهی می‌خوانیم:

جنبش طـرهٔ طلاییی او      داده رنگی به دلربایی او  
 زلف زرین و سینه سیمین بود      این به از آن و آن به از این بود  
 (معیری، ۱۳۹۱: ۲۷۱)

طیف رنگ‌های زرد در اشعار رهی به ترتیب زیر است:

جدول ۴		رنگ زرد		اشعار	
زرد	طلایی	زرین /			
۱	-	۴		غزل‌ها	س
۱	-	۳		منظومه‌ها	
۱	-	-		قطعات	
-	-	-		اسات باکنده	
-	-	-		بناعلات	
۱	-	۳		تغزل و	آ/ز
۱	-	-		غزلیات	
-	-	-		غزل‌های	
۱	۱	۲		مثنوی	
۱	-	۴		قطعه	
-	-	-		رباعی	
-	-	-		تک‌بیت‌ها	
-	-	-		اسات	
۱	-	-		تانه‌ها	
۸	۱	۱۷		جمع	

پ-۵) سبز

رنگ سبز در میان طیف‌های رنگی، عنصر وسط و متعادل است و از ثبات عقیده و خودشناسی حکایت می‌کند. رنگ سبز نشان‌گر آرامش، خوشبختی، و سلامتی

۲۰۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

است و تعبیری از رنگ زندگی، شادابی، امنیت، و آرزو است. سبز رنگ آرامش، شادی، و تعادل روحی است. رنگ سبز، به باور ایتن، مبین مفاهیم ارزش‌مندی چون باروری، خشنودی، آرامش، و امید است (ایتن، ۱۳۸۸: ۹۵). سبز نماد صلح و امنیت نیز هست. برای مثال، در نقاشی پیکاسو و در پرده صلح او از رنگ سبز و سفید استفاده شده است. در نزد مسیحیان نیز رنگ سبز مقدس است. آنان رنگ سبز را منسوب به مسیح<sup>(ع)</sup> می‌دانند. علاوه بر این، رنگ سبز نشان‌گر باروری، تازگی، ایمنی، و کامیابی است. «در فرآورده‌های کشاورزی رنگ سبز بسته‌بندی دلالت بر طبیعی بودن و ارگانیک بودن آن دارد» (استوار، ۱۳۹۱: ۲۱). رنگ سبز در اشعار رهی با اشاره به نشانه‌های طبیعت هم‌چون "سبزه" به‌کار رفته است:

سبزه پوشید زمردین دیبا      لاله افروخت بسدین چادر

(معیری، ۱۳۹۱: ۲۱۳)

رنگ سبز در اشعار رهی بیش‌تر در معنای مجازی و با اشاره به ترکیباتی چون "سبزه بی‌طالع"، "سبزه نو دمیده"، "زمردین ریحان"، "زمردین دیبا"، و "فرش زمردین" به‌کار رفته است. رنگ سبز در معنای حقیقی تنها در مجموعه آزاد به‌کار رفته است:

حریر سبز به برکرده زمردین ریحان      پرند سرخ بپوشیده بسدین گلنار

(همان: ۲۰۹)

جدول ۵		رنگ سبز	
اشعار	سبزه	سبزه	زمرد/زمرد
غزل‌ها	۴	-	-
منظومه‌ها	-	-	-
قطعات	-	-	-
اسات باکنده	-	-	-
مبطلت	-	-	-
تغزل و	۳	۱	۴
غزلیات	-	-	-
غزل‌های	-	-	-
مثنوی	-	-	-
قطعه	-	-	-
رباعی	-	-	-
تک‌بیت‌ها	-	-	-
همه	-	-	-
ترانه‌ها	۳	-	-
جمع	۱۰	۱	۴

## پ-۶) آبی

آبی رنگ خرد، فراست، کشف و شهود، بصیرت، اشراق و اندیشه است. آبی رنگی درونی است که در انسان حالتی ماورایی ایجاد می‌کند. رنگ آبی در نزد یونانیان نمادی از ظلمت است و مسیحیان آن را نمادی از حضرت مریم می‌دانند، این رنگ در مسیحیت نشان دهنده تواضع، اعتقاد، ملکوت، ابدیت، و ایمان است. «آبی در تفکر ایرانی نماد پاکی و معنویت است. در معماری مساجد اسلامی، رنگ آبی و فیروزه‌ای بسیار به کار رفته است» (استوار، ۱۳۹۱: ۱۳). آبی رنگ روشن، با طراوت، امیدوارکننده، و نشانه انسان‌های متواضع و متعادل است. از منظر روان‌شناسی نیز، آبی رنگی است که حس معنویت، قضاوت، عمق، و ارتفاع را در انسان برمی‌انگیزد و به همین دلیل، با آسمان و دریا در ارتباط است. به اعتقاد لوشر، «رنگ آبی نشان‌دهنده حدودی است که یک شخص در اطراف خود به وجود می‌آورد و نیز نشان‌گر یکپارچگی و احساس تعلق است... هنگامی که رنگ آبی برای وضعیت ششم، هفتم، و یا هشتم انتخاب گردد، این نیاز به آرامش و اعتماد متقابل در روابط او با دیگران، ارضا نشده باقی می‌ماند و موجب اضطرابی می‌شود که بیش‌تر از اضطراب موجود در قسمت انتهایی ردیف رنگ است» (لوشر، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۸). در اشعار رهی، برخلاف طیف رنگ‌های دیگر، از رنگ آبی در معنای مجازی آن استفاده شده است. اشارات رهی به "لاجورد اندوده"، "نیلگون چشم"، "سپهر نیلگون"، "ثریای فیروزه‌ای"، "فیروزه‌ای پربها"، و "انگشتی فیروزه‌ای" از جمله این نمونه‌هاست. برای مثال، رهی در شعر "جامه فرسوده" می‌خوانیم:

تکیه بر گردون مکن ای دل که جز مکر و فریب

نیست رنگی این رواق لاجورد اندوده را

(معیری، ۱۳۹۱: ۲۴۰)

رهی در شعر "چشم نیلی" نیز با اشاره به رنگ آبی می‌سراید:

۲۰۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

نیلگون چشم فریب انگیز رنگ آمیز تو چون سپهر نیلگون دارد سر افسونگری  
(همان: ۱۶۳)

طیف رنگ‌های آبی در اشعار رهی به ترتیب زیر است:

جدول	رنگ آبی					آبی	اشعار	
	نیلگو	نیلوی	لاجور	فیرو	کبود			
	-	۲	-	-	۱	-	غزل‌ها	سایه
	-	-	-	-	-	-	منظومه‌ها	
	-	-	-	-	-	-	قطعات	
	۲	۱	-	-	-	-	ابیات پراکنده	عمر
	-	-	-	-	-	-	رباعیات	
	-	-	-	-	-	-	تغزل و	آزاده
	-	-	۱	-	-	-	غزلیات	
	-	-	-	-	-	-	غزل‌های	
	-	-	-	-	-	-	مثنوی	
	-	-	-	-	-	-	۱	
	-	-	۳	-	-	۱	قطعه	
	-	-	-	-	-	-	رباعی	
	-	-	-	-	-	-	تک بیت‌ها	
	-	-	-	-	-	-	اشعار روز	
	-	-	-	-	-	-	ترانه‌ها	
	-	۳	۱	۳	۱	-	جمع	

#### پ-۷) خاکستری

خاکستری رنگ خنتی است و از هر محرک یا تنش روانی آزاد است و حد فاصل دو رنگ سیاه و سفید است. این رنگ مرز مشخصی ندارد و زمینه‌ای برای رنگ‌های مکمل است. لوشر معتقد است که خاکستری «در این آزمایش، نه دارای رنگ است، نه تیره است و نه روشن، بلکه کاملاً آزاد از هر محرک یا گرایش روانی است. خاکستری خنتی است، نه ذهنی است نه عینی، نه درونی است و نه بیرونی... کسی که خاکستری را رد می‌کند، می‌کوشد تا هر مانع احتمالی را که فرا راه هدف او قرار دارد، از میان بردارد (لوشر، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۶). رهی به صراحت به رنگ خاکستری اشاره نکرده است.

#### پ-۸) قهوه‌ای

در آزمایش لوشر رنگ قهوه‌ای نیز استفاده شده است. این رنگ نشان‌دهنده



امنیت اجتماعی، اهمیت خانواده، و حواس جسمانی فرد است. قهوه‌ای نماد نشان‌گر احساس در حواس جسمانی و آسایش است و هنگامی که این رنگ در ردیف آخر قرار گیرد، این نیاز به آسایش رد شده است (همان: ۹۵-۹۶). این رنگ در اشعار رهی به‌کار نرفته است. در نتیجه، این رنگ، جزو رنگ‌های طرد شده محسوب می‌گردد. یکی دیگر از رنگ‌هایی که بارها در اشعار رهی معیری به‌کار رفته است، رنگ سفید است. رنگ سفید در آزمایش لوشر کاربرد ندارد، اما در آثار رهی دیده می‌شود. رنگ سفید نشان‌گر آرامش، پاکیزگی، و سرما است و در انسان احساس خلوص نیت، پاکی، و روشنی را ایجاد می‌کند. به اعتقاد لوشر، «سفید به صفحه خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت» (لوشر، ۱۳۹۰: ۹۷). به همین دلیل است که سفید را فاقد رنگ می‌دانند، زیرا سفید رنگ شروع است. به گفته پورفخاران، «رنگ سفید نشان‌گر تهی بودن، فضای باز، و پاکیزگی است» (پورفخاران و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۶). رنگ سفید نماد معصومیت است و بیان‌گر پاکیزگی و آرامش فرد است. رهی هنگامی از رنگ سفید استفاده می‌کند که بر پیری دلالت دارد. او از ترکیب‌هایی چون "موی سپید" برای این امر استفاده می‌کند:

موی سپید را فلکم رایگان نداد  
این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام  
(معیری، ۱۳۹۱: ۳۶)

رهی در شعر "رشته هوس" نیز با اشاره به موضوعی گوید:

سیاه‌کاری ما کم نشد ز موی سپید  
به ترک خواب نگفتیم و صبحدم خندید  
(همان: ۹۵)

"صبح سپید" نیز ترکیب دیگری از رنگ سفید است که در اشعار رهی دیده

می‌شود:

ز گرد حادثه، روشن‌دلان چه غم دارند  
غبار تیره، چه نقصان دهد به صبح سپید؟  
(همان: ۹۶)

رنگ سفید رنگ زیبایی، سرور، و عرفان نیز هست. «سفید اغلب با بی‌رنگی مرادف است. از این رنگ معصومیت غیرقابل لمس و تزکیه را می‌توان دریافت»

۲۱۰ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

(نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۶). سفید در قرآن هم به صراحت عنوان شده است. برای مثال، می‌توان به آیه ۱۰۷ سوره آل عمران اشاره کرد. در این آیه می‌خوانیم: «وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (قرآن، ۱۰۷/۳). در این آیه، سفیدی چهره صالحان نشان‌دهنده عمل نیکوی آنان است. «سپیدی از پدیده‌های زیبایی خداوند و قدرت کامل پروردگار است. در آیات دیگر نیز به توصیف بهشتیان و نوشیدنی‌های آن‌ها، که از شیر سفیدتر است، پرداخته شده است» (پورفخران و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸). رهی نیز در اشعار خود از رنگ سفید استفاده نموده است. در نظر رهی، رنگ سفید نماد پاکی، زیبایی معشوق، و پیری است. او با اشاره به رنگ سفید آن را در معنی مجازی هم به‌کار می‌برد. او با استفاده از ترکیباتی چون "سیم تن"، "سیم‌گون رخ"، "سیمینه تن"، و "سیم اندام"، بر پاکی و زیبایی معشوق اشاره می‌کند:

سایه اندام او در اشک من آید به رقص در میان موج، ماه سیم تن آید به رقص  
(معیری، ۱۳۹۱: ۲۵۸)

من از سیمینه هامون باز یابم نشان دلبر سیمین بر خویش  
(همان: ۲۹۰)

در شعر "مریم سپید" نیز می‌خوانیم:

به خاک سیه، چون شود منزلم بود داغ آن سیم تن بر دلم  
(همان: ۱۴۲)

افزون بر این، در اشعار رهی از عناصر طبیعی نیز در معنای رنگ استفاده شده است. او رنگ سفید را نمادی از پیری و سال‌خوردگی می‌خواند. برای مثال، در اشعار رهی برف نمادی از رنگ سفید است. رهی در شعر "برف بهمنی" بارها از برف در معنای مجازی رنگ سفید استفاده کرده است:

ای سیم‌گون رخت به سپیدی نشان برف خویت بسان آتش و رویت بسان برف  
(همان: ۲۴۴)

در پایان این شعر نیز می‌خوانیم:

تقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۲۱۱

### جان مرا چو مهر فروزنده گرم کن

کان در غم تو موی "رهی" شد به سان برف

(همان: ۲۴۵)

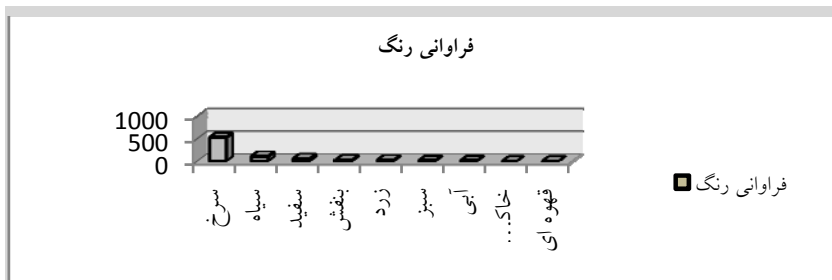
رهی در اشعار خود پنجاه و شش بار از رنگ سفید استفاده کرده است که طیف

آن به ترتیب زیر است:

جدول رنگ سفید						
اشعار	سبید	سیمگو	سیمین	سیم تن/سیم	سیم قام	برف (اشاره به سفیدی)
غزل‌ها	۶	۵	۱۱	۳	-	-
منظومه‌ها	-	۱	۳	۱	۲	-
قطعات	۲	۱	-	-	-	-
ابیات پراکنده	-	-	۱	-	-	-
رباعیات	-	-	-	-	-	-
تغزل و	۱	-	-	-	-	-
غزلیات	۲	۱	-	۱	-	۴
غزل‌های	-	-	-	-	-	-
مثنوی	-	۱	۲	-	-	-
قطعه	۳	۱	۱	-	-	۱
رباعی	-	-	-	-	-	-
تک بیت‌ها	-	-	-	-	-	-
اشعار روز	-	-	-	-	-	-
ترانه‌ها	۱	-	-	۱	-	-
جمع	۱۵	۱۰	۱۸	۶	۲	۵

### فراوانی رنگ در اشعار رهی معیری به ترتیب زیر است:

رنگ	سرخ	سیاه	سفید	بنفش	زرد	سبز	آبی	خاکستری	قهوه‌ای
فراوانی	۵۲۴	۱۰۹	۵۶	۲۷	۲۵	۱۵	۱۲	۰	۰



### ت) گروه‌بندی اشعار رهی براساس روان‌شناسی لوشر

در این گروه‌بندی، ابتدا هشت رنگ آبی، سبز، سرخ، زرد، بنفش، قهوه‌ای، سیاه، و خاکستری بر حسب میزان کاربرد و فراوانی، در یک ردیف قرار می‌گیرند. سپس، این رنگ‌ها به گروه‌های زوج تقسیم می‌شوند که در این طبقه‌بندی، گروه نخست با علامت (+) بیانگر "گرایش و تمایل شخص" است. انتخاب گروه دوم مبین "وضع واقعی امور" است و با علامت (×) مشخص شده است. گروه سوم نیز به رنگ‌هایی اختصاص دارد که از نظر فرد بی تفاوت هستند، چرا که صفات خاص این رنگ‌ها نه طرد می‌شوند و نه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این گروه با علامت (=) نشان داده می‌شوند. زوج هفتم و هشتم نیز با مشخصه (-) عدم تمایل شخص را در این حیطه نشان می‌دهند. از آنجایی که امکان دسترسی به رنگ‌های دسته دوم نیست، رنگ‌های این دسته را نیز همانند گروه اول طبقه‌بندی خواهیم کرد. با توجه به این توضیحات، چیدمان رنگ در اشعار رهی به ترتیب زیر است:

سرخ (۳)	سیاه (۷)	بنفش (۵)	زرد (۴)	سبز (۲)	آبی (۱)	خاکستری (۰)	قهوه‌ای (۶)
سرخ (۳)	سیاه (۷)	بنفش (۵)	زرد (۴)	سبز (۲)	آبی (۱)	خاکستری (۰)	قهوه‌ای (۶)
+۳+۷	×۵×۴			۲=۱			-۰-۶
+۳+۷	×۵×۴			۲=۱			-۰-۶

گروه اول: +۳+۷ (سرخ و سیاه): رنگ سرخ (+۳) نمادی از فعالیت و زنده‌دلی است و رنگ سیاه نیز بیان‌گر محیطی است که برای فرد غیرقابل تحمل است. فرد «شرایط موجود را برخلاف میل خود، بسیار طاقت فرسا می‌بیند. اجازه نمی‌دهد که هیچ چیز در افکار او تأثیر بگذارد» (لوشر، ۱۳۹۰: ۱۵۶). براساس نظریات لوشر، ترکیب دو رنگ سرخ و سیاه (+۳+۷) نیز به این موضوع اشاره دارد که فرد برای جبران آن چه از دست داده است تلاش می‌کند و بدین ترتیب قادر به انجام هر کاری است. (همان: ۱۵۰)

گروه دوم: ×۵×۴ (بنفش و زرد): رنگ بنفش نمادی از حفظ و پرورش عواطف

نقد شعر رهی معیری از منظر روان‌شناسی لوشر • سیده مانده واقعه‌دشتی • صص ۲۱۶-۱۹۳ □ ۲۱۳

است و رنگ زرد نیز در این مرحله، از جذب عناصر تازه و مهیج سخن می‌گوید. به باور لوشر، رنگ زرد «مجذوب هر چیز تازه، جدید، و مهیج می‌شود. در معرض خسته شدن از یکنواختی، چیزهای عادی یا مرسوم قرار دارد» (همان: ۱۶۶). او ترکیب رنگ‌های بنفش و زرد را نتیجه حساسیت شخص می‌داند. فردی که «حساس است و در جست و جوی راهی است تا از آن طریق این صفات را در خود بروز دهد... چیزهای غیرعادی یا ماجراجویانه موجب برانگیخته شدن علاقه و شور و شوق اومی شوند.» (همان: ۱۶۹)

گروه سوم:  $۱=۲$  (سبز و آبی): رنگ سبز در روان‌شناسی لوشر و کارکرد (=) او «به نحوی است که شخص قادر به تثبیت موقعیت خود نیست، ولی در عین حال احساس می‌کند که باید به بهترین طرز از موقعیت موجود استفاده نماید» (همان: ۱۷۸-۱۷۹). در این نگرش، آبی نیز بیان‌گر این موضوع است که شخص دلبستگی به امور ندارد. ترکیب این دو رنگ نیز بر این ویژگی تأکید دارد. به باور لوشر، فرد «احساس می‌کند که ناگزیر به سازگاری است و روابط نزدیک او با دیگران فاقد جهات عاطفی است.» (همان: ۱۷۹)

گروه چهارم: ۶-۰-۰ (خاکستری و قهوه‌ای): هنگامی که رنگ خاکستری در گروه آخر قرار گیرد، به معنای ناشکیبایی و بی‌صبری است. لوشر در تفسیر روان‌شناسی رنگ قهوه‌ای نیز می‌نویسد: تفکر فرد پیرامون اندیشه «برتر بودن از دیگران، موجب انزوای او می‌گردد و مانع از فعالیت آزاد آمادگی وی می‌شود» (همان: ۲۳۰). لوشر معتقد است که ترکیب دو رنگ خاکستری و قهوه‌ای نشان‌گر وضعیتی است که برخلاف علایق فرد ایجاد شده است. در نتیجه، این وضعیت وی را مشوش می‌سازد. چنین فردی «دوست دارد که دیگران او را فقط به خاطر وجودش دوست بدارند و ستایش کنند.» (لوشر، ۱۹۶: ۱۳۹۰-۱۹۷)

در آزمایش لوشر، برای پی بردن به منبع فشار روانی و مشکل واقعی، رنگ وضعیت اول (جبران) و وضعیت هشتم (اضطراب) را در ترکیب (+ -) با یکدیگر

۲۱۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۱، (پی در پی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

مقایسه می‌کنند تا مشکل واقعی را در فرد تشخیص دهند. در اشعار رهی، این وضعیت از ترکیب رنگ سرخ در وضعیت اول (+۳) و رنگ قهوه‌ای در وضعیت هشتم (-۶) بررسی می‌شود. از نظر لوشر، کارکرد دو رنگ سرخ و قهوه‌ای در ترکیب ۳-۶+ نشان دهنده این موضوع است که شخص «از فعالیت لذت می‌برد و دوست دارد که دیگران وی را به خاطر موفقیت‌هایش بستایند.» (همان: ۲۵۶)

### نتیجه

روان‌شناسی رنگ لوشر می‌کوشد تا جنبه‌های مختلف روحی و روانی افراد را بر پایه رنگ تحلیل نماید. در آزمایش لوشر هشت رنگ وجود دارد که شامل رنگ‌های اصلی آبی، زرد، قرمز، و سبز و چهار رنگ فرعی بنفش، قهوه‌ای، سیاه، و خاکستری هستند که این رنگ‌ها، در روان‌شناسی لوشر، بدون دخالت و ارتباط با هم بررسی می‌شوند. در این آزمایش، رنگ‌های موجود، بر حسب میزان کاربرد و فراوانی، در یک ردیف و در گروه‌های زوج قرار گرفته‌اند که بر این اساس، گروه نخست با علامت (+)، گروه دوم با علامت (x)، گروه سوم با علامت (=)، و زوج هفتم و هشتم نیز با مشخصه (-) نشان داده می‌شوند. تحلیل اشعار رهی بر پایه آزمایش لوشر این نکته را بر ما روشن ساخت که گرایش رهی به دو رنگ سرخ و سیاه بیش از رنگ‌های دیگر بوده است. در نقد روان‌شناسی این دو رنگ، سرخ نماد تلاش و فعالیت، و مفهوم قدرت اراده، و اعتماد به نفس است و سیاهی آن نمادی از اندوه و پوچی روزگار شاعر است. افزون بر این، رهی رنگ‌ها را به طور غیرمستقیم نیز به کار برده است و بیش‌تر ترکیبات رنگی در اشعار او جنبه نمادین دارند. اشاره به "سیم‌گون رخ"، "آتشین لب"، و استفاده از "برف"، به جای اشاره مستقیم به رنگ سفید، نمونه‌هایی از این طیف رنگی هستند. همچنین، رنگ‌های رهی معیری با توصیف معشوق و وصف فضایل او و گاه نیز با اشاره به فراق و دوری از معشوق، لحن عاشقانه‌ای به خود گرفته‌اند. این ویژگی در رنگ‌های سرخ، سفید، و زرد بیش‌تر دیده می‌شود، اما می‌توان گفت که نگرش رهی به رنگ سیاه نگرشی جمعی

است. در این نوع اشعار از لحن و شور و اشتیاق عاشقانه خبری نیست. رهی در اشعار اجتماعی خود فضا سازی می‌کند و گاه از اندیشه‌های عرفانی و یا از پوچی و تیرگی حاکم بر روزگار (رنگ سیاه) خویش سخن می‌راند. توجه به این موضوع نشان می‌دهد که نگرش‌های شاعر همواره از اندیشه‌ها و حالات فرد نشأت نمی‌گیرد و گاه شرایط اجتماعی، گرایش‌های عرفانی (در اشاره به بنفشه)، و ترکیب‌های ادبی نیز بر این نگرش‌ها دامن می‌زند. بنابراین، آنچه این مقاله را از مقالات مرتبط با موضوع روان‌شناسی رنگ متمایز می‌سازد، این نکته است که وجود رنگ در اشعار رهی صرفاً از شخصیت شاعر نشأت نگرفته است و گاهی در اشعار رهی معیری با ترکیب‌هایی مواجه می‌شویم که متأثر از تعالیم هنری و ادبی او است. وجود بسامد بالای رنگ در کتاب آزاده، نسبت به اشعار سایهٔ عمر، گواهی بر این مدعاست. در پایان نیز این موضوع را خاطر نشان می‌کنیم که تکیه بر نقدهای روان‌شناختی به تنهایی نمی‌تواند نتیجه تام و کاملی را پیرامون آثار ادبی ارائه دهد و برای تحلیل شخصیت و آثار شاعر نیاز به بررسی‌های گسترده‌تری است تا جنبه‌های روانی، اجتماعی، و هنری اشعار وی نیز در نظر گرفته شود.

## منابع

### الف) کتاب‌ها:

- قرآن کریم. (۱۳۷۶). ترجمه مهدی الهی قمشه ای. تهران: اسوه.
۱. استوار، مسیب. (۱۳۹۱). رنگ. [بی‌جا]: [بی‌نا].
  ۲. ایتن، یوهانس. (۱۳۸۸). عناصر رنگ. ترجمه بهروز ژاله دوست. تهران: عفاف.
  ۳. پورفخاران، محمد و دیگران. (۱۳۹۱). روان‌شناسی رنگ‌ها. قم: ابتکار دانش.
  ۴. حسین پورچاقی، علی. (۱۳۸۷). جریان‌های شعری معاصر از کودتا (۱۳۲۲) تا انقلاب (۱۳۵۷). تهران: امیرکبیر.
  ۵. حقوقی، محمد. (۱۳۸۸). مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران. جلد دوم. تهران: قطره.
  ۶. زمردی، حمیرا. (۱۳۸۷). نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی. تهران: زوار.
  ۷. عطاری، یوسفعلی و رضا فلاحی. (۱۳۸۲). روان‌شناسی رنگ و تبلیغات. تهران: گلگشت.
  ۸. علی‌اکبرزاده، مهدی. (۱۳۸۷). رنگ و تربیت. تهران: میشا.
  ۹. علی‌پور، مصطفی. (۱۳۸۷). ساختار زبان شعر امروز (پژوهشی در واژگان و ساخت شعر امروز). تهران: فردوس.
  ۱۰. فلمار، کلاوس برند. (۱۳۷۶). رنگ‌ها و طبیعت شفابخش آن‌ها. ترجمه شهناز آذرنيوش. تهران: ققنوس.
  ۱۱. لوشر، ماکس. (۱۳۹۰). روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه ویدا ابی‌زاده. تهران: درسا.
  ۱۲. معیری، رهی. (۱۳۸۸). کلیات رهی معیری. تهران: زوار.
  ۱۳. ----- (۱۳۹۱). دیوان کامل رهی معیری. تهران: سپهر ادب.
  ۱۴. نجف‌زاده بارفروش [م. ج. روجا]، محمد باقر. (۱۳۷۶). نقد، دیدگاه‌ها، زندگی و طنزهای رهی معیری. تهران: حوزه‌هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
  ۱۵. ویتگنشتاین، لودویگ. (۱۳۸۹). درباره رنگ‌ها. ترجمه لیلی گلستان. تهران: مرکز.

### ب) مقالات:

۱۶. نیکویخت، ناصر و سید علی قاسم‌زاده. (۱۳۸۴). "زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر (با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری، و موسوی گرمارودی)". نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. دوره جدید. شماره ۱۸ (پیاپی ۱۵). زمستان. صص ۲۰۹-۲۳۸.
۱۷. پناهی، میهن. (۱۳۸۵). "روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما (بر اساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)". فصلنامه پژوهش‌های ادبی. تابستان و پاییز. شماره ۱۲ و ۱۳. ۴۹-۸۲.
۱۸. صفری، جهانگیر و فخری زراعی. (۱۳۸۹). "بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی". مطالعات زبانی بلاغی، سال اول، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۷.
۱۹. علوی مقدم، مهیار و سوسن پورشهرام. (۱۳۸۹). "کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد". پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (علمی - پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره جدید. تابستان. شماره ۲ (پیاپی ۶): ۸۳-۹۴.
۲۰. قاسم‌زاده، سیدعلی و ناصر نیکویخت. (۱۳۸۲). "روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری". فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی. شماره ۲. پاییز و زمستان. صص ۱۴۵-۱۵۶.